

میراثی ناشناخته ، اثری نویافته در روابط فرهنگی ایران و هند

اثر: دکتر قاسم صافی
از: دانشگاه تهران

چکیده

یکی از شخصیت‌های بزرگ ادبی که به تحقیق نقش ارزنده‌ای در تکوین بخش عظیمی از ادب پارسی در شبه قاره و جلب علاقه و شوق دوستداران ادب فارسی در این سرزمین نسبت به زمینه‌های گوناگون سخن فارسی اعم از نظم و نثر دارد و یکی از حلقه‌های مستحکم ارتباط بین فرهنگ ایران و هند در دوره صفوی است محمد جلال الدین طباطبایی زواره‌ای اردستانی ملقب به میرزا جلالا است که سه قرن پیش رهسپار شبه قاره هند شد و بدیعترین آثار خود را در متن فرهنگ این سرزمین به وجود آورد و به علت شخصیت بارز و مایه گرانقدر ادبی‌ای که داشته صاحب سبکی شده که عصر خود و ادوار بعدی را در زمینه شیوه ترسل و انشا و سبک ادبی زیر سیطره نفوذ شدید خود قرار داده است.

آثار فرهنگی و ادبی این شخصیت مهم که در پرده فراموشی و گمنامی بود در پژوهش حاضر بررسی و مقام و اعتبار پژوهشی آن در روابط فرهنگی ایران و هند و تکوین بخش مهمی از ادب فارسی که یکی از مقاطع مهم تحول خود را در این دیار سپری کرده و به بالاترین اوج خود رسیده است مطالعه می‌گردد.

بدون شک پژوهندگان و جویندگان این زمینه از ادب فارسی و عاشقان زیبایهای جاودان ادب فارسی که در راه احیای آثار پیشینیان و استمرار پیوند فکری با موارث قلمی و ذوقی گذشتگان تلاش کرده و می‌خواهند تاریخ ادبیات این دیار را در شبه قاره هند پیگیری کنند با اثری قابل استفاده و بسیار مفید مواجه می‌شوند.



یکی از گنجینه‌های ناشناخته نثر فارسی که تبلوری از اطلاعات جامع و گسترده در دقایق نکات زبان و ادب فارسی و تعبیرات و نوادر لغات این زبان است و مسلماً برای پژوهشگران احیای آثار ناشناخته، کاری کاملاً بکر و موضوع آن، هم در ایران و هم در خارج از قلمرو زبان و ادب فارسی، تازگی دارد احوال و مصنفات محمد جلال الدین طباطبایی زواره‌ای اردستانی، مورخ، مترجم، شاعر و نویسنده سترگ است. جلایا از اعظام اوتاد و اقطاب سخنوران و از سلسله سادات طباطبایی زواره از کهنترین و اصیلترین بیوت سیادت در ایران است که ظاهراً به واسطه مضیقه و فشارهایی که متوجه ارباب فضل و ادب بود از اصفهان به هندوستان مرجع و مجمع اصناف هنرمندان دانشگاهین عصر رفته (۱۰۴۴ ه.ق.) و در سال ۱۰۴۵ از لاهور به اکبر آباد آگره و همان جا اقامت گزید^(۱) بعدها به برکت استعداد و شیوایی سخن با استقبال کم نظیر مواجه شده، مورخ و نویسنده دربار شاهجهان گردیده، و به خلق آثار و تصنیفات پرداخته است. و به سبب عظمت و اعتبار و موقعیت ممتازی که به دست آورده به استدعای ارباب ادب بر مرقعات دیوانها و آثار شاعران معاصر خود، دیباچه‌ها نوشته و پنج سال اول سوانح شاهجهان را تحریر کرده است.

نگارنده در راه گردآوری اطلاعات درباره احوال جلایا و بررسی و تنظیم و تدوین نوشته‌ها و منشآت این شخصیت ممتاز فرهنگی، نویسنده و سخنور بلند پایه و صاحب سبک ایرانی که بواقع در پرده فراموشی و گمنامی سپرده شده است زحمات و تلاش فراوان متحمل گشته و مدت چند سال در حال جستجو و تکاپوی احوال

زندگی او گذرانیده، از تاریخ حیات و شرح احوال وی و برخی از شعرا و نثرپردازان و دانشمندان و عارفان همزمان او که جز نامی در متون کتب و خلال اوراق تاریخ، مطلب دیگری به دست نمی‌آید، اطلاعات نو مبتنی بر منابع مهم و معتبر به دست آورده‌است و بانگرشی جامع به مبانی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی دوران جلالت و بررسی احوال و آثار و سبک نثر وی، به ارزشهای مهم و ویژه زبان و ادبیات فارسی در دورانی طولانی و در قلمروی گسترده پرداخته، سعی داشته حق ادب فارسی و مقام اعتباری پژوهشی آن را در شبه قاره که کمتر مورد توجه پژوهشگران و جویندگان بوده به عنوان رشته مهم برگزیند و بدین ترتیب شخصی فراموش شده از ادب فارسی را مورد عنایت قرار داده که از این رهگذر خدمتی به تاریخ و فرهنگ ایران و هند انجام گیرد^(۲).

بنابنه تحقیق، میرزا جلالت، نقش ارزنده‌ای در تکوین بخش عظیمی از ادب فارسی در شبه قاره و جلب علاقه و شوق دوستداران ادب فارسی در این سرزمین نسبت به زمینه‌های گوناگون سخن فارسی، اعم از نظم و نثر، دارد و بحق یکی از حلقه‌های مستحکم ارتباط فیما بین فرهنگ ایران و هند در دوره صفوی است که سه قرن پیش رهسپار شبه قاره شده، بدیع‌ترین آثار خود را در متن فرهنگ این سرزمین به وجود آورده‌است و به علت شخصیت بارز و مایه‌گرانقدر ادبی‌ای که داشته صاحب سبکی شده که عصر خود و ادوار بعدی را زیر سیطره نفوذ شدید خود در زمینه شیوه ترسل و انشاء و سبک ادبی قرار داده‌است به طوری که مایه مباهات سرامدان ادب فارسی عهد وی بود که آثار خود را با مقدمه‌ای از اومزین سازند. از جمله سخنوران و سخن‌پردازانی نظیر حاجی محمدجان قدسی، کلیم کاشانی، ظهوری ترشیزی، مولانا منیر لاهوری، و حکیم شقایبی^(۳).

او خسرو قلمرو سخندان و سلطان نثر مسجع و مقتنی و صاحب کمالات صوری و معنوی‌ای است که در پرداخت نثر، ید بیضا داشته و در فن انشاء و ترسیلات، روش

نوینی خلق کرده، به سخن حال دیگری بخشیده است. از کمالات نفسانی وی علی التحقیق، ملکه و غریزه نویسندگی و شاعری اوست که در این فن، استادی مسلم بوده، بر زبان و ادب فارسی احاطه کامل داشته است و زبان عربی و علوم ادبی برایش گنجینه‌هایی بوده که همیشه از آن مخزن لالی، گوهرهای رنگارنگ بر بساط دانشوری خویش می‌افشانده است. آثار او مهمترین و مشکلترین منبع مطالعه برای کسی است که میزان درجه اجتهادش بر ادب فارسی از روی آن سنجیده می‌شود و می‌تواند برای حوزه‌های ادبی فارسی و بخصوص دانشگاه‌ها که سطوح کارشناسی ارشد و دکتری ادبیات فارسی دارند مرجع پژوهش درسی و پشتوانه آموزشی محسوب گردد.

میرزا جلالا تالیفات متعددی دارد. از جمله: بیاض عندلیب، پادشاهنامه (تاریخی درباره پنج سال دوران پادشاهی شاهجهان)، شش فتح کوت کانگره، توفیعات کسروی (ترجمه از عربی مشتمل بر دستوره‌های منسوب به انوشیروان در باب کارهای کشور داری و سپاهی و آداب و رسوم مردم)، تذکره میرزا جلالا، دیوان اشعار، ادب نامه و منشآت که شامل آثار و نوشته‌های وی در مجموعه‌های مختلف است.^(۴) همچنین نامه‌ها و نوشته‌ها به برخی از ادبا و سخنوران و انشاپردازان هم‌عصر خود نظیر: میرزا غازی، میرزا امینا، حکیم ابوالفتح، به ملازمان شاهجهان پادشاه غازی، شاه طالبای کلیم، شیدا فتحپوری، - و شرح احوال ملا شاه بدخشی، شیخ میان میر، شیخ بلاول قادری، ملا محب علی، میر محمد باقر شیرازی، خطبه مرقع، در توصیف رشحه قلم و نقاش ماهرو....

بی تردید مجموعه آثار و منشآت این نویسنده از متون مهم ادبیات و از نمونه‌های گرانبهای آثار عصر تیموریان هند و در موضوع و سبک نوشته در میان آثار پارسی، ممتاز و از حیث پختگی، شیوایی ترسل، وجود لغات و تعبیرات نادر فارسی و اصطلاحات تاریخی، اجتماعی، فلسفی، عرفانی، دینی، دیوانی، نجومی،

موسیقی، پزشکی، اقتصادی، جواهرشناسی و آیات و احادیث نبوی و واژه‌های ناظر به آداب و رسوم اجتماعی و اساطیری، مکيفات و وسایل شاعرانه و نویسندگی قرن دهم یکی از نوادر کتب ادبی و شاهکارهای نثر فارسی است که بدون شک، برای کسانی که می‌خواهند تاریخ ادبیات این دیار یعنی شبه قاره هند و روابط فرهنگی ایران و هند در دوره شاهجهان را پیگیری کنند، اثری قابل استفاده و بسیار مفید خواهد بود.

تعدادی از نوشته‌های جلالا حاوی احوال برخی از شعرا و نثر پردازان زمان توأمان با نظرات انتقادی است که از لحاظ آگاهی بر معیارهای نقد ادبی آن زمان، سودمندیهای ادبی بسیاری دارد.^(۵) بعضی دیگر خطاب به پادشاه عصر و درباریان است که متضمن فواید تاریخی است چنانکه به وسیله آنها می‌توان بعضی نکات مهم راجع به احوال دوره شاهجهان و وضعیت محیط او را درک کرد.^(۶) قسمتی دیگر از آثار منشور او شامل تمهید دیباچه، یا دیباچه‌ها و مقدمه‌هایی را شامل می‌شود که وی بر آثار شاعران و نویسندگان معاصر خود نگاشته است که هم دارای فواید ادبی و عرفانی، و هم حاوی اطلاعات تاریخی و اجتماعی مفیدی است و طالبان استمرار پیوند فکری اهل ذوق و اندیشه را با موارث قلمی و ذوقی گذشتگان، متمتع می‌گرداند.^(۷) *رتال جامع علوم انسانی*

نوشته‌های جلالا صرف نظر از ارزشهای مهم ادبی که از آن یاد شد دارای واژگان و ترکیبهای نادر و کهن زبان فارسی است که برای پژوهشگران زبانشناسی و محققین در این زمینه و زبانشناسان و فرهنگ‌نویسان و فراهم آوردگان فرهنگ جامع زبان فارسی مفید و مثمر ثمر خواهد بود. جلالا نایاب‌ترین اصطلاحات ادب فارسی را از لابه‌لای متون مختلف بیرون کشیده، در نثر خود به فراخور مطالب به کار گرفته، و در کاربرد وسایل نزیینی نیز کوشیده تا از کلمات و ترکیبات ناب فارسی استفاده کند.^(۸)

نوشته‌های او در زمینه فرهنگ و تمدن اسلامی، فرهنگ و تمدن ایرانی هندی نیز

حائز اهمیت بوده به عنوان یکی از عناصر و عوامل مهم میراث فرهنگی مشترک که در نثر نویسنده تداعی می‌گردد، مورد توجه و امعان نظر است.

پانویسها

- ۱- تذکره نصرآبادی، ص ۱۰۲، ۱۰۳ / و نیز بنگرید به توقیعات کسروی، قسمت مقدمه / فهرست نسخه‌های خطی موزه ملی پاکستان، ص ۷۳۴ / فهرست نسخه‌های خطی فارسی موزه بریتانیا، ج ۱، ص ۲۵۸. ج ۳، ص ۹۳۳ / فهرست بانکی پور، ج ۱۳، ص ۱۲۱، ۱۲۲.
 - ۲- نامه‌ها و نوشته‌های محمد جلال‌الدین طباطبایی. بخشهای ۱-۶.
 - ۳- همان، ص ۱۰۴-۱۰۶
 - ۴- همان، بخش ۴ / دستورنامه کسری، قسمت مقدمه / تاریخ ادبیات فارسی. قسمت دوم، ص ۲۷۰.
 - ۵- کلیات جلالا. دیباچه دیوان منیر، ص ۶۷۴ / نامه‌ها و نوشته‌های محمد جلال‌الدین طباطبایی، فصل ۳.
 - ۶، ۷- همان ص ۲۱۹-۲۶۵، فصل ۱ از بخش ۶.
 - ۸- همان، ص ۳۷۳-۴۱۳.
- پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع منابع انسانی
- ۱- الذریعه الی تصانیف الشیعه. شیخ آقابزرگ تهرانی. تهران. چاپخانه مجلس، ۱۳۳۳، ج ۹، چاپ اسلامی، ج ۲۳.
 - ۲- پادشاهنامه. عبدالحمید لاهوری. چاپ انجمن آسیایی بنگال، ۱۹۶۷ م.
 - ۳- تاریخ ادبیات فارسی. هرمان اته. ترجمه رضا زاده شفق. تهران. بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۷.
 - ۴- تذکره نصرآبادی. محمد طاهر نصرآبادی. تصحیح وحید دستگردی. تهران. فروغی، ۱۳۵۲.
 - ۵- توقیعات کسری انوشیروان. ترجمه از عربی به فارسی در زمان شاه عباس ثانی به قلم محمد جلال‌الدین طباطبایی زواره‌ای، به سعی حسین نخجوانی و مقدمه مجتبی مینوی. تبریز، مطبوعه

شفق، ۱۳۴۴.

۶- دادسخن. سراج الدین علی خان آرزو بامقدمه و تحشیه و تصحیح سیدمحمد اکرم. اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۵۲.

۷- عمل صالح. تصنیف محمد صالح کنبوه. تحشیه غلام یزدانی. تصحیح وحید قریشی. لاهور، مجلس ترقی ادب، ۱۹۶۷ م.

۸- فرهنگ سخنوران. عبد الرسول خیامپور. تبریز (بی ن)، ۱۳۴۰.

۹- فهرست نسخه‌های خطی فارسی موزه ملی پاکستان. عارف نوشاهی. اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۰.

۱۰- کلیات میرزا جلالا. نسخه دانشگاه تهران. کتابخانه مرکزی، ش ۲۹۴۴.

۱۱- نامه‌ها و نوشته‌های محمد جلال الدین طباطبایی زواره‌ای اردستانی. تألیف و تصحیح قاسم صافی. مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی